

گفت‌وگوی صبا با عوامل فیلم سینمایی «هفت بهار نارنج»

داستان عشقی اساطیری
در قاب هنر و تجربهمریم عظیمی
گفت‌وگو

اکران فیلم سینمایی «هفت بهار نارنج» به کارگردانی فرشاد گل‌سفیدی و تهیه‌کنندگی محمد کمالی پور با حضور استاد علی نصیریان به عنوان بازیگر اصلی این فیلم یکی از اتفاقات جذاب سینمایی این روزهای پایانی سال است. فرشاد گل‌سفیدی که مدیر فیلمبرداری سرپال‌ها و فیلم‌های کوتاه و سینمایی زیادی بوده از سال ۷۴ با دستیاری وارد این عرصه شده و «هفت بهار نارنج» اولین فیلم سینمایی او در مقام کارگردان است. فیلم «هفت بهار نارنج» محصول سال ۱۴۰۱ است و اولین بار در چهل و یکمین دوره جشنواره فیلم فجر از آن رونمایی شد و علی نصیریان (بازیگر نقش اصلی فیلم) برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول رادر این دوره به خود اختصاص داد. این فیلم در ژانر درام عاشقانه تولید شده و قصه عشقی پرشور میان دو کاراکتر طلعت و شمس را به تصویر می‌کشد. خبرنگار صبا به بهانه اکران آن با عوامل فیلم به گفت‌وگو نشست است که در ادامه می‌خوانید.

فرشاد گل‌سفیدی، کارگردان:

در این فیلم عشقی اساطیری را روایت می‌کنم

همکاری شما با این پروژه به چه صورت شکل گرفت؟

تهیه‌کننده آقای کمالی پور طرح را برایم تعریف کردند و کارگردانی این فیلم را پیشنهاد دادند من هم گفتم که طرح را دوست دارم به شرطی که تغییراتی در فیلمنامه صورت بگیرد و این تغییرات نیز با اجازه خود نویسنده انجام شد و پس از گرفتن پروانه سینمایی کار را شروع کردیم.

چه شد که فیلم به اکران گروه هنر و تجربه رسید؟

هنر و تجربه مخاطب و سلیقه خاص خودش را دارد و از آنجایی که این فیلم یک فیلم آرتیستیک و هنری است دلم می‌خواست که در هنر و تجربه اکران شود.

روایت فیلم ایجاب می‌کرد در یک لوکیشن تعریف شود که زندگی در آن دور از اتفاقات و هیاهوی شهری در جریان باشد. آیا با این انتخاب لوکیشن به این نکته اشاره می‌کنید که عشق مکانی این چنین رویایی می‌طلبد؟

نه اصلاً اینطور نیست و لوکیشن این فیلم به خاطر تنهایی کاراکتر آقای علی نصیریان انتخاب شده است آقای نصیریان تنها بود و هر چند که دکتر پرستار دوست و فرشته کنارش بودند اما او تنهاست نزدیک چهار ماه طول کشید تا ما این لوکیشن را پیدا کنیم و این لوکیشن باید تک می‌بود درست مانند خود آقای نصیریان تنهایی تنها و حتی ما روی رنگ این لوکیشن کار کردیم و رنگش را از بین بردیم تا بازی بازیگرانمان بیشتر دیده شود و زیبایی آن لوکیشن توجه بیننده را جلب نکند و اصطلاحاً فوکوس نکند و با اینکه من تمام این کارها را کردم باز هم زیبایی لوکیشن توجه جلب می‌کند.

به نظر می‌آید که رنگ و نور در این فیلم اهمیت زیادی دارد و اکثر صحنه‌های فیلم در روشنایی روز گرفته شده است. آیا این نور و روشنایی مفهوم خاصی را انتقال می‌دهد؟

نور یعنی آگاهی، شما برای آگاه شدن احتیاج به نور دارید. به عنوان مثال وقتی وارد یک انبار می‌شوید تا وقتی که نور نداشته باشید هیچ چیزی را نمی‌بینید، تانور نباشد نمی‌توانید کتابی را بخوانید و... بنابراین برای رسیدن به آگاهی به نور احتیاج دارید و من سعی کردم نور زندگی و نور عشق و تعریف عشق واقعی و عشقی که الان دیگر کسی ندارد، کسی که تا پای جانش حتی بیشتر از جانش برای فرد دیگری مایه بگذارد را در این فیلم تعریف کنم. من در این فیلم یک عشق اساطیری را تعریف می‌کنم، عشقی که دیگر وجود ندارد یا واقعاً بسیار کم است. این یک عشق امروزی نیست، یک عشق قدیمی است که سعی می‌کنیم یاد بدیم و به نظر من مخاطبان این اثر دو دسته خواهند بود دسته‌ای که عاشق نشده‌اند و این فیلم را

بهار نارنج» آغاز کردم و پس از آن فیلم «برهوت» را به کارگردانی منصور وثوقی ساختم که در حال حاضر در جشنواره نپال است و توانسته از فستیوال‌های مختلف جوایز متعددی کسب کند و در آخر فیلم «کوکتل مولوتف» که همزمان با «هفت بهار نارنج» روی پرده سینماست و در جشنواره فیلم فجر نیز با فیلم «خاتی» به کارگردانی فریدون نجفی حضور داشتم.

لطفاً از نحوه آشنایی و همکاری‌تان با نویسنده اثر بگویید.

در واقع ایده تمام فیلم‌هایی که می‌سازم به خودم تعلق دارد؛ ایده‌هایی که برآمده از دغدغه‌هایم هستند. من باید سراغ سوژه‌های بروم و با آن زیست کنم و بعد از نویسنده بخواهم که آن را بنویسد. احمد رفیع‌زاده نیز از دوستان سالیان دور من است و بیش از ۲۰ سال است که رفاقت و همکاری داریم و تقریباً اکثر کارهای مرا او نوشته است.

انتخاب فرشاد گل‌سفیدی به عنوان کارگردان این اثر چگونه در ذهن‌تان شکل گرفت؟

در ابتدا قرار بود خانم حمیده نهران دست این فیلم را کارگردانی کنند و یک فیلم ویدیویی ساخته شود اما به دلیل شرایط کرونا و مسائل دیگری که وجود داشت ما آقای گل‌سفیدی را انتخاب کردیم، به خصوص که کار کردن در آن شرایط بحرانی سخت بود. من پروانه ساخت اثر را گرفتم و احساس کردم شاید آقای گل‌سفیدی علی‌رغم اینکه یک فیلمبردار تکنیکی است بتواند در فیلم اولش درامی را خارج از آن هیاهوی سبک فیلمبرداری‌اش تعریف کند و به نظر من انتخاب درستی هم بود. کلاً من سعی می‌کنم بیشتر با فیلم‌اولی‌ها کار کنم؛ کسانی که می‌خواهند کارگردان شوند و دنبال یک اتفاق جدید در زندگی‌شان هستند. می‌خواهم کمک‌هایم باشم و بتوانم یک سری نیروی جدید وارد سینما کنم به همین علت چه در زمینه بازیگری و چه در بخش کارگردانی و پست‌های مختلف دیگر کار همیشه به کار اولی‌ها اعتماد می‌کنم.

انتخاب بازیگران چگونه انجام شد؟

حقیقت این است که اگر استاد علی نصیریان نبود اصلاً این فیلمنامه را نمی‌ساختم چون من شرایط استاد نصیریان با همسر مرحومشان و اینکه سال‌های آخر چقدر مراقبت ویژه‌ای از همسرشان داشتند را می‌دانستم و اساساً این طرح را بر اساس زندگی ایشان نوشتم. از طرفی من به شدت رستوران‌گرد

و کافه‌گرد هستم و در همین

کافه‌ها و رستوران‌ها پدر و

مادرهای سالخورده‌ای را

می‌دیدم که خیلی منزوی

هستند، گویی انتظار

می‌کشند و چشم به راه

چیزی یا کسی هستند،

بنابراین خیلی دوست

داشتم که یک عاشقانه

در این رده سنی کار کنم،

اما حقیقت این است که

خود آقای نصیریان نیز مزید

بر علت بود. لادن مستوفی نیز

تنها بازیگری بود که مستقیماً

با نظر کارگردان وارد فیلم شد.

دوستانی که با من کار می‌کنند

می‌دانند که با احترام به کارگردان

و گرفتن نظر مشورتی‌اش شخصاً

کست را انتخاب می‌کنم اما آقای

گل‌سفیدی خیلی دوست داشتند

که خانم مستوفی این نقش را بازی

می‌بینند و عاشق می‌شوند یا عاشق شده‌اند و قدر عشقشان را می‌دانند یعنی مطمئناً پس از اینکه این فیلم را می‌بینند قدر عشقشان را می‌دانند و متوجه می‌شوند که این عشق چقدر فرق می‌کند. در این فیلم از در پیچه دیگری به عشق نگاه می‌کنیم. مخاطب اینجاست با یک اثر معمولی یا فیلم بگو بخند اجتماعی روبرو نیست. این اثر به گفته کسانی که آن را دیده‌اند یک فیلم شریف است. خوشبختانه باز خورد‌های خیلی خوبی گرفته‌ایم هر چند که اگر باز خورد منفی می‌داشتیم نیز برای من جالب بود اما واقعاً نداشتیم.

سخن پایانی

این فیلم مثل یک رویا می‌ماند و شما

را یک ساعت و نیم با خودش می‌برد

و یک ساعت و نیم به رویاپردازی

مشغول می‌کند و اینکه حدس

بزنید که فینال فیلم چه می‌تواند

باشد. امیدوارم که خوب دیده

شود چون هم زحمت زیادی برای

این کار کشیده شده است و هم

به نظرم آقای نصیریان بهترین

بازی‌عمرشان را در این فیلم ارائه

کرده‌اند.

محمد کمالی پور، تهیه‌کننده:

اگر علی نصیریان نبود

فیلم را نمی‌ساختم

فعالیت شما در عرصه سینما از

چه زمانی آغاز شده و تاکنون چه

آثاری را تهیه کرده‌اید؟

بیش از ۱۵ سال است که در این عرصه

فعالیت دارم، تله‌فیلم‌های زیادی برای

تلویزیون کار کردم و بعد از آن وارد عرصه

سینما شدم. در فیلم «محمیا» با اکبر خواجه‌بویی

خداپساز همکاری داشتم و «شرط اول» اولین

فیلم سینمایی‌ام بود که به کارگردانی مسعود

اطیابی ساخته شد. بعد از وقفه‌ای هشت ساله

حضور مجدد در عرصه سینما را با فیلم «هفت

